

ضعف سرمایه گذاری در بخش انرژی

محمدعلی خطیبی
کارشناس انرژی

در سال های اخیر الگوی مصرف انرژی به گونه ای بوده که بخش تولید از میزان بالای تقاضا فاصله گرفته است، در نتیجه حجم بالای مصرف، کمبود گاز را در فصل سرد سال به یک امر عادی تبدیل کرده، همان گونه که کمبود برق در فصل تابستان طبیعی است. این اتفاقات از گذشته قابل پیش بینی بوده و هشدارهایی برای افزایش تولید انرژی داده شده بود، اما به دلیل مشکلات مختلف، سرمایه گذاری های لازم در بخش زیرساختی انرژی آن طور که باید انجام نگرفت و این موضوع کمبودهایی را به وجود آورد. در سال های اخیر، میزان مصرف گاز در بخش خانگی و در بخش صنعت گسترش زیادی یافته است، بنابراین این موضوع ضرورت دارد تا با تقویت زیرساخت ها توان تولیدی هرچه سریع تر افزایش پیدا کند. باتوجه به وابستگی بالای بخش خانگی به گاز، باید تحولات اساسی در سیاست گذاری های انرژی اعمال شود، چرا که در حال حاضر این حجم از انرژی خانگی به یک سوخت وابسته است. از سوی دیگر، باید در فصل سرد سال از ظرفیت های ذخیره سازی به نحو احسن استفاده شود و در فصل های دیگر تولید معطل نماند، به طبع در چنین شرایطی نیازمند مدیریت هوشمندی هستیم که ذخیره سازی ها در شرایط پر مصرف به کمک بیایند و اگر به این موضوع نگاه جدیدی نشود، نمی توان به تغییر در روند ناترازی های بخش انرژی در کشور امیدوار بود. در گذشته، شرکتی با نام شرکت ذخیره سازی گاز در کشور فعالیت داشت که کار این شرکت، ذخیره سازی گاز در نقاط مختلف کشور بود، متأسفانه این شرکت به دلایل مختلف مطرح در آن زمان، منحل شد و حالا نتیجه آن را می بینیم. باید به این موضوع توجه داشت که بخش خانگی می تواند برای مصرف از ۲ یا چند سوخت استفاده کند، اما به دلیل نبود سرمایه گذاری های مناسب و به ویژه ادامه دار شدن تحریم ها و انحلال شرکت ذخیره سازی در دولت قبل و نبود تمهیدات لازم برای ذخیره سازی ها این کمبودها به وجود آمده است. همچنین، سیستم های مصرف در کشور بهینه سازی نشده اند و با هدر رفت انرژی مواجهیم و باید با سرمایه گذاری کیفیت این سیستم ها را ارتقا داد و بهره وری را هم بالا برد تا با کاهش مصرف، رفاه برای مردم ایجاد شود. اگر بخواهیم مقایسه ای داشته باشیم؛ با مقایسه ای ساده نسبت به سایر کشورها به لحاظ میزان جمعیت و اندازه مصرف انرژی درمی یابیم که میزان مصرف ما نسبت به جمعیتی که داریم، آماراً یکم باشد. البته بخشی از این قضیه به دلیل فرهنگ مصرفی در کشور است که بهینه نیست و بیش از اندازه انرژی مصرف می کنیم که این موضوع را می توان درباره میزان مصرف بنزین در کشور هم مشاهده کرد، در حالی که در دنیا متوسط مصرف بنزین ۴ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر است، خودروهای ما به طور متوسط بیش از ۱۰ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر مصرف دارند که باید این عوامل در بخش صنعت مورد بررسی قرار گیرد. البته لازم است، بررسی هایی نیز به منظور جلوگیری از اتلاف انرژی در بخش خانگی و در بخش صنایع و نیروگاه ها انجام گیرد تا اسراف انرژی کمتر شود و راندمان انرژی افزایش یابد و میزان بهره وری هم رشد کند. دولت باید صنایع را موظف کند تا بهره وری وسایل گازسوز تولیدی را افزایش دهند و همه دارای گرید A شوند.

ویژه

جعفر قتادباشی:

انگلستان می خواهد ضد انقلاب را به میدانور نگه دارد

اخبار شورای حقوق بشر سازمان ملل پیش نویس قطعنامه ای را علیه ایران به تصویب رسانده است. بانئ این قطعنامه انگلستان و ایسلند بوده اند که به راحتی می توان دریافت که انگلستان محور اصلی چنین تحرک تازه ای علیه ایران بوده است. حالا یک پرسش مهم به وجود می آید؛ آنکه هدف انگلستان و کشورهای غربی از چنین فشارهایی چیست؟ در این راستا یک تحلیلگر مسائل سیاست خارجی، درباره این موضوع اظهار داشت: من در میان فشارهای حداکثری سیاسی و اقتصادی نوع دیگری از فشارها بر این تحمیل می شود؛ غربی ها می کشوند از پیشرفت ایران در عرصه دیپلماتیک جلوگیری کنند. فشارهای حقوق بشری از همین دست فشارهاست که اخیراً انگلستان بانئ این شده است. این فشارها ادامه فشارهای قبلی است و علت اصلی اش ایستادگی ایران در برابر زیاده خواهی های غربی ها در موضوع هسته ای است، اما آنچه انگلیس ها را وادار می دارد که بانئ این دور از فشارهای تازه باشند، پیشرفت ایران در توسعه ارتباطات منطقه ای است و به نوعی دلگرمی به صهیونیست ها است و شاید جمهوری آذربایجان که آنها نگران نباشند که ایران در مسیر موفقیت قرار دارد. جعفر قتادباشی، ادامه داد: در حوزه منطقه بن سلمان با تحقیقاتی که انجام داد متوجه شد اگر بخواهد رژیم سعودی را از فروپاشی نجات دهد و خودش به پادشاهی برسد باید چند کار را انجام دهد. عربستان مشغول ترمیم چهره بیرونی اش است و این حالت به نفع ایران شده است. این تحلیلگر مسائل سیاست خارجی همچنین بیان کرد: در این شرایط انگلستان خودش وسط آمده است. انگلیس ها احساس می کنند مناسبات قدرت مورد نظرشان بر هم خورده است و صهیونیست ها وضعیت بسیار بدی دارند و جمهوری آذربایجان هم با شکست مواجه شده است و عربستان هم به ایران و چین نزدیک شده است. قتادباشی تصریح کرد: اتهامات حقوق بشری عملاً ابزاری سیاسی در دست غربی ها و به ویژه انگلستان و آمریکا است که هر جا دچار تنگنا می شوند ایران را با این دست عناوین متهم می کنند تا بتوانند ایران را عقب برانند یا شرایط جهانی را علیه ایران هماهنگ کنند اما اوضاع آنها به میزانی خراب است که هیچ یک از این روش ها کار ساز نخواهد بود و متحدان غربی با از اتحادشان با آنها ناامید شده اند یا آنکه دچار شرایطی شبه فروپاشی شده اند.

دکتر نعمت... فاضلی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

جامعه امروز ایران

نیازمند فراگیری سوادهای

مختلف است

نیاز به جامعه باسواد داریم نه فرد باسواد

با بحران «مدرسه» مواجهیم

مدرسه در هسته مرکزی جامعه معاصر قرار دارد

دولت های مدرن در ایران مواجهه ای متفاوت با نهاد مدرسه داشته اند

مدرسه در دنیای مدرن به دنبال پرورش شهروند بالغ است

مسأله مدرسه اهمیت خود را در جامعه ما از دست داده است

سواد در عصر حاضر در جایگاه فرهنگ مدرن قرار می گیرد



آرمان ملی - احسان انصاری: «مسأله مدرسه» عنوان کتابی است که توسط دکتر نعمت... فاضلی، جامعه شناس و انسان شناس نوشته شده و بازتاب گسترده ای در فضای فکری و رسانه ای کشور داشته است. فاضلی در این کتاب به مسائل مختلف آموزش و پرورش ایران می پردازد و با رویکردی تاریخی، اجتماعی و فرهنگی، آنچه امروز در کلاس های درس و مدارس با آن مواجهیم را توضیح می دهد و تحلیل می کند. وی در این کتاب، لایه های مختلف نظام آموزشی را یک به یک کنار می زند و به هر یک از کنشگران آن به طور جداگانه و در ارتباط باهم می پردازد. مسأله سواد و سوادآموزی خصوصاً از منظر انتقادی نیز از مباحث مهم کتاب است و فاضلی در سه فصل به طور جامع مسأله بی سوادی، کم سوادی و نیز جایگاه سواد انتقادی در جامعه امروز ایران را تحلیل و بررسی می کند. «آرمان ملی» برای نقد و تحلیل این کتاب و جایگاه مدرسه و مفهوم سواد در جامعه امروز ایران با دکتر فاضلی، نویسنده کتاب گفت و گو کرده که در ادامه ماحصل این گفت و گورامی خوانید.

دولت پهلوی اول مدارس گسترش پیدا کردند و همچنان به دلیل فقدان سازو کار دیوان سالارانه تمرکزگرا نهاد مدرسه در راستای رسالت اصلی خود برای پرورش سوژه باسواد تا حدودی توانا بود. با وجود این، پس از پایان دوران پهلوی اول سواد همگانی به معنای الزام به فراگیری سواد در جامعه برای همه افراد مطرح شد متمرکز و احاطه دولت مرکزی بر جوانب آشکار و پنهان زندگی جمعی، مدرسه نیز از رسالت اصلی خود یعنی پرورش سوژه باسواد به تدریج فاصله گرفت. در این وضعیت به جای پرورش سوژه باسواد و شهروند بالغ وظیفه اصلی مدرسه منحرف شده و به پرورش سوژه های سربه راه، مطیع و منقاد در ایدئولوژی سیاسی رسمی تغییر پیدا کرد.

اگرچه در زندگی مدنی شهروندان تلاش کردند تا الگوهای متفاوت و تازه ای از مدرسه را خلق کنند. افرادی مانند احمد بیرشک و توران میرهادی تلاش کردند با خلق اشکال تازه ای از مدرسه، متفاوت از الگوی مدرسه رسمی و فراگیر عمل کنند. حتی در بین گروه های مذهبی افرادی مانند عباسعلی اسلامی با تأسیس جامعه تعلیمات اسلامی مجموعه مدارس متفاوتی را ایجاد کردند. این مدارس که در آن زمان به مدارس ملی معروف بودند سهم کوچکی نسبت به مدارس دولتی داشتند. بحران مدرسه در ایران از زمانی شکل گرفت که مفهوم سواد به مهارت های ساده کار با الفبا تقلیل یافت و هم مفهوم ساده شده نیز کم به حاشیه رانده شد.

رویکرد جمهوری اسلامی نسبت به حکومت پهلوی در موضوع مدرسه چه تفاوت هایی دارد؟
از دیدگاه حکومت در دوران پسا انقلاب، مدرسه دستگاه ایدئولوژیک است که هدف آن جامعه پذیری سیاسی و ایدئولوژیک نسل جدید برای تحقق آرمان های دینی و سیاسی است. در مدارس دوران پسا انقلاب اگر چه اشکال جدیدی از مدارس اعم از غیرانتفاعی و مدارس که تاحدودی متفاوت از مدارس دولتی بودند ظاهر شدند و به تدریج نیز گسترش یافتند، اما بیش از ۸۵ درصد مدارس کشور تحت الگوی متمرکز دولتی سازماندهی و هدایت می شوند. حتی مدارس غیرانتفاعی و نیمه مستقل نیز تاگزیر از تبعیت از اصول رسمی هستند. در چارچوب مدرسه پسا انقلاب، خوانایی و نویسایی اگرچه ظاهراً پذیرفته شده است، اما برآیند واقعی آموزش و پرورش خوانا و نویسا کردن شهروندان و نسل جدید نیست. در دوران پساانقلاب اگرچه مدرسه فراز و نشیب هایی داشته است و سیاست آموزشی دولت های مختلف تفاوت هایی دارند، اما رویکرد اصلی همچنان تغییر نکرده است.

دولت ها در دوران پسا انقلاب در زمینه توجه به مدرسه چه تفاوت هایی داشته اند؟

در دولت اصلاحات و اعتدال گرای حسن روحانی نگاه به مدرسه با دولت احمدی نژاد تفاوت داشته است. با وجود این، تفاوت ها در مجموع عمیق، گسترده و پایدار نبوده اند که بتوانند نهاد مدرسه به عنوان نهاد پرورش شهروند بالغ و سوژه خوانا و نویسا را در جامعه ایران تحقق ببخشند. نکته ای که وجود دارد این است که در بستر جامعه امروز ایران که مجموعه تحولات تکنولوژیک، رسانه ای، ارتباطی، فرآیندهای جهانی شدن و تحولات مختلف سیاسی و فرهنگی رخ داده، جامعه بیشتر از گذشته درگیر مقوله سواد شده است. جامعه امروز ایران نیازمند فراگیری سوادهای مختلف است. سواد هنری، سواد شهری، سواد اجتماعی، سواد عاطفی، سواد رسانه ای و... نیاز امروز جامعه ایران است. امروز بیش از ۵۰ نوع سواد در جوامع مختلف شکل گرفته است. به همین دلیل نیز سواد برای انسان امروز برای مواجهه با مسائل پیچیده زندگی جمعی و جهانی حائز اهمیت است.

فنی است که ما در زمینه استفاده از الفبا به کار می گیریم. سواد مفهومی است که برای توضیح بیشن و منش انسان معاصر و مدرن به کار می رود. در چشم انداز سنتی و تاریخی ایرانیان نیز سواد به این شکل فهم می شد. این در حالی است که هنگامی که در جهان معاصر مفهوم سواد همگانی به معنای الزام به فراگیری سواد در جامعه برای همه افراد مطرح شد مفهوم سواد جایگاه تازه ای پیدا می کند.

در چنین شرایطی مفهوم سواد چه تغییری پیدا می کند؟
در چنین تعریفی سواد در جایگاه فرهنگ عمومی یا دقیق تر فرهنگ مدرن قرار می گیرد. مدرسه جدید در ایران معاصر وظیفه فرهنگ را بر عهده دارد. به همین دلیل در دوران مشروطه و پهلوی اول، معلمان را فرهنگیان و سازمان مدرسه را اداره فرهنگ نام گذاری کرده اند. فرهنگیان به معنای کسانی است که کار آنها خلق

و گسترش فرهنگ در جامعه است. فرهنگ مفهومی است که ما برای توضیح شیوه زندگی معاصر به کار می بریم. هسته مرکزی فرهنگ نیز در مفهوم سواد نهفته است. سواد همان الگوی ارتباطی در جامعه جدید است. سواد کراسی یا نظام دیوان سالاری، نظامی مبتنی بر خط و سواد است. ادارات و سازمان ها اعم از دولتی و مدنی یا هر شکل سازمان در جامعه امروز در مکاتبات و اسناد بر قانون مدون و مکتوب شده استوار است.

زندگی فردی و خانوادگی ما نیز با مجموعه هایی از خطوط و نشانه های مکتوب شکل گرفته است. شناسنامه، کارت ملی، کارت شناسایی و... نشان می دهد که سواد در جهان امروز چیزی فراتر از مهارت فرد برای کار با الفباست. سواد تار و پود تنیده بر سازمان ها، نهادها و سامان اجتماعی

جامعه است. اگر از این منظر به موضوع نگاه کنیم باسواد تنها به فرد اطلاق نمی شود، بلکه لازم است جامعه امروز جامعه باسواد شود. جامعه باسواد علاوه بر ارتباط شفاهی بر ارتباط مکتوب نیز تکیه دارد. مدرسه در هسته مرکزی جامعه معاصر قرار دارد.

قرار گرفتن مدرسه در هسته مرکزی جامعه معاصر با چه الزاماتی صورت می گیرد؟

مدرسه انسانی را پرورش می دهد که می تواند در جامعه باسواد زیست جمعی مکتوب و مبتنی بر سواد را تجربه کند. در جامعه باسواد ارتباطات خلق، پیشرو و فعال خواهد داشت. ژان ژاک روسو، پدر آموزش در جهان مدرن در کتاب های «امیل» و «قرارداد اجتماعی» از جمله نخستین اندیشمندانی بود که جایگاه آموزش و پرورش مدرن را برای انسان امروز توضیح داد. از دیدگاه روسو کاری که مدرسه و آموزش همگانی برعهده دارد پرورش شهروند بالغ است. شهروند بالغ به معنای به بلوغ رسیدن افراد از راه سواد است. البته روسو دولت را مسئول اصلی توسعه ، تأمین و حمایت مدرسه در جهان مدرن می داند. در ایران نیز با بروز مشروطه و دولت مدرن، نهاد مدرسه پدیدار شد. با وجود این به مرور زمان ما از اهمیت مدرسه در ایران غافل شدیم.

چه اتفاقی رخ داد که از نهاد مدرسه غافل شدیم؟
دولت مدرن در ایران یعنی دولت مشروطه، پهلوی و جمهوری اسلامی هر کدام مواجهه ای متفاوت با نهاد مدرسه داشته اند. در سال های مشروطه تا پهلوی اول به دلیل فقدان دولت قدرتمند متمرکز نهاد مدرسه در ایران نهاد مدنی بود که افراد خیر و پیشرو مانند میرزا حسن رشدیه، یحیی دولت آبادی و دیگران در سراسر ایران آن را گسترش داده و هدایت می کردند. در

نگره

از استعفای نوری تا احتمال تغییرات تازه



اسفندماه سال گذشته بود که گمانه زنی هایی مبنی بر تغییرات در دولت مطرح شد و برخی رسانه ها عنوان کرده بودند که تغییراتی در دولت صورت خواهد گرفت. چنانکه در جزئیات کار آمده بود که فتاح به جای مخبر و زاهدی وفا به جای محسن رضایی در دولت قرار خواهند گرفت. هر چند که این گزارش ها و گمانه زنی ها بازتاب های فراوانی داشت و در نهایت از سوی منابع دولتی رد شد. حالا اما روزهای کاری سال جدید در دولت با استعفای وزیر آموزش و پرورش آغاز شده است. تغییر وزیر هم بنا به اتفاقات رخ داده در ماجرای واریز حقوق فرهنگیان رخ داده است. این اما گویا پایان ماجرا نیست. در فرآیند رفتن وزیر آموزش و پرورش، زمانی که مخبر از سوی رئیس به عنوان داوور انتخاب شد تا مقصر عدم واریز حقوق ها را پیدا و برای برخورد معرفی کند حرف و حدیث های زیادی مطرح شد. از جمله اینکه وقتی گزارش خبری یوسف سلامی در صدا و سیما نشان می داد که گویا قرار است وزیر آموزش و پرورش مسئول این رخداد معرفی شود یکی از مشاوران او در رشته توییت هایی اقدام به افشاجری در مورد مقصر اصلی ماجرا کرد. هر چه که بود

، وزیر آموزش و پرورش به عنوان مقصر این ماجرا معرفی و روند برکناری او از دولت کلید خورد. این در حالی است که طی چند روز گذشته مجلس در گزارش خود اعلام کرده که سازمان برنامه و بودجه، مقصر اصلی این اتفاق بوده و پرداخت دیر هنگام رطبی به وزارتخانه نداشته است. نگاهی ریزتر و از بعد سیاسی به این ماجرا، چشم انداز تازه ای را به ما نشان می دهد و به نوعی تأیید آنچه که تحت عنوان گمانه زنی در سال گذشته مطرح می شد است. در گمانه زنی هایی که مطرح شده بود آمده بود در مورد آرایش سیاسی درون کابینه صحبت شده و عنوان شده بود که تغییرات به کدام سمت است نوشته شده بود: «مسعود میرکاظمی برای پیشبرد تصمیمات و ایده هایی که در ذهن دارد با مقاومت فراوانی در جناح مقابل خود در کابینه مواجه است. او تا امروز مصرانه نظریات اقتصادی اش را پیگیری بوده و در جلسات تصمیم ساز تلاش فراوانی کرده تا آنها را به ثمر برساند. اما نیاز به بار کمکی در دولت دارد تا بتواند راحت تر در سال سخت اقتصادی ۱۴۰۲ تنظیمات اقتصادی را انجام دهد.»

تغییرات در دولت؟

نگاهی دقیق تر و روشکافانه به دولت رئیسی نشان می دهد که حلقه سیاسی پیرامون آقای رئیس جمهور به میرکاظمی نزدیک تر است. میرکاظمی به واسطه حمایت تکیه برزند. حالا آمدن فرد تازه ای - که به این حلقه نزدیک است - به درون کابینه، جانی تازه به اراده اقتصادی او خواهد بخشید. افزون آنکه شنیده می شود تغییری که در دولت رخ می دهد به نفع همین گروه سیاسی و تحکیم کننده جایگاه میرکاظمی خواهد بود» در این گزارش البته آمده بود که پرویز فتاح به کابینه آقای رئیس خواهد آمد. حالا پیشامد مربوط به وزیر آموزش و پرورش جایگاه سیاسی میرکاظمی در کابینه را به صراحت تأیید می کند. بله معاون میرکاظمی به درستی تکذیب می کند که او استعفا نداده است. میرکاظمی از دولت نخواهد رفت اما در عین حال تغییرات در دولت به صورت جدی در دستور کار است و در زمان نزدیک شاهد آن خواهیم بود. داستان توثیت سپهر خلجی بعد از ماجرای استعفای وزیر آموزش و پرورش را دوباره مرور کنیم. او در حالی که رئیس شورای اطلاع رسانی دولت استنباط می کند که این تأیید را به دنباله دار بودن تغییرات است. تغییراتی که البته برخلاف تصورات رسانه ای با رفتن میرکاظمی رخ نخواهد داد بلکه او در کابینه ماندنی است و تیم سیاسی نزدیک به او دست بالا را در کابینه خواهند داشت. باید دید افرادی مانند زاهدی وفا و پرویز فتاح که به این طیف نزدیک هستند به جای چه کسانی وارد کابینه خواهند شد. امسال دولت باید کابینه را چابک تر و همسوتر کند.